معرفی کتاب غیبت نعمانی

سید محمد جواد شبیری

اشاره: نوشتار حاضر، پس از معرّفی محتوایی و ذکر ابـواب اصـلی کتـاب الغیبـه، از نعمـانی، و شیوه و سبک نگارش و ویژگیهای تأثیر گذار آن، نسخههای خطی و چاپهای آن را نقد، و بررسی و ضرورت تصحیح انتقادی تازهای از کتاب الغیبه را گوشزد کرده است.

در مقدّمـه ی این سلسـله مقـالات، بـه اجمـال، بـه معـرّفی کتـاب الغیبـه نعمـانی اشـاره رفت و تفاوتهای این کتاب با دو کتاب مشابه آن، یعنی کمال الدین شیخ صـدوق و الغیبـه شـیخ طوسـی، بیان شد. در این جا، با تفصیلی بیشتر، به شناسایی این کتاب میپردازیم.

ابواب کتاب

الغیبه نعمانی در بیست و شش باب تنظیم شده است. اکثر ابـواب، نسـبتاً، کوتـاه اسـت. ابـواب مفصّل کتاب – که چهره ی کلّی کتاب را شکل داده اند – عبارت است از:

ب ۴ (ص ۵۷ – ۱۱۱) ما روی فی أنَّ الائمه اثنا عشر إماما و أنّهم من الله و اختیاره

در پایان این باب، روایاتی چند از طرق عامه در اثبات عدد دوازده امـامعلیهم السـلام نقـل شـده است. در ضمن آن، به نقل عبارتی از تورات درباره نامهای امامان به زبان عبری میپردازد.

مؤلِّف باب دیگری (باب ۶، ص ۱۱۶ – ۱۲۷) را درباره احادیث دوازده امام که از طریق عامه نقـل شده، گشوده، که ظاهراً پس از تألیف کتاب افزوده شده است.(۱)

ب ۱۰ (ص ۱۴۰ – ۱۹۴) – ما روی فی غیبه الإمام المنتظر [و هو(۲)] الثانی عشر

ب ۱۳ (ص ۲۱۲ – ۲۴۷) – ما روی [جاء خ.ل(۳)] فی صفته [صفات القـائم علیـه السـلام، خ.ل] و سیرته و فعله [و فی أصحابه و ما یرید الله، جلّ و عز، به(۴)]، و ما نزل من القرآن فیه.

ب ۱۴ (ص ۲۴۷ – ۲۸۳) – ما جاء فی العلامات الّتی تکون قبل قیـام القـائم علیـه السـلام[و یـدل (تدل خ.ل) علی أنَّ ظهوره یکون بعدها کما قالتِ الأئمهُعلیهم السلام]در این چند بـاب گسـترده، عناوین فرعی هم ذکر شده که نقل احادیث را منظّمتر میسازد.

ابواب کتاب، تقریباً سه گونهاند: ابواب مقدّماتی (مربوط بـه مبـانی غیبت)، غیبت و دوران غیبت، عصر ظهور و علائم آن.

نُه باب نخستین کتاب، به مبانی عقیدتی غیبت، مانند لزوم راز داری و الهی بودن منصب امامت و ضرورت وجود امام بر روی زمین و روایات مربوط به دوازده امامعلیهم السلام میپردازد.

سه باب بعدی (باب ۱۰ تا ۱۲) به غیبت و گزارش دوران غیبت اختصاص دارد. باب ۱۵ و ۱۶ نیز به همین دوران مربوط میگردد.

بقیّهی ابواب کتاب، به دوران ظهور یا علائم ظهور میپردازد.

در این میان، یک باب (باب ۲۴) موضوع خاصّی را دنبال میکند. این باب، بطلان امامت اسماعیل (فرزند امام صادق علیه السلام) را اثبات میکند که در ارتباط با ادّعای مهدویّت خلیفهی فاطمی است – که به مذهب اسماعیلی بود -. درباره این موضوع، پس از این، بیشتر سخن میگوییم.

توضیحات مؤلّف

حجم اصلی کتاب را نقل احادیث اهل بیت علیهم السلام شکل داده است، ولی مؤلّف، در مقدمهی تا حدودی طولانی خود(۵) و در لابلای احادیث، توضیحاتی افزوده که در مجموع حدود ۱۶ کتاب را به خود اختصاص داده است.(۶)

در مقدمه، انگیزهی تألیف کتاب را انحراف اکثریّت منتسبان به شیعه از راه درست به خاطر وقوع غیبت دانسته و اشاره کرده که بیشتر مردمان، با انگیزههای غیر صحیح، به این مذهب روی آوردهاند، لذا با اندکی شبهه از آن روی بر تافتهاند. مؤلّف، در این مقدّمه، بر نکته جالبی تأکید میکند. او، نوشته است: با وجود حجم عظیم روایات که از ائمهی معصومینعلیهم السلام دربارهی غیبت به ما رسیده، اگر حادثهی غیبت به وقوع نمیپیوست، مذهب امامت باطل میبود، بنابر این، وقوع غیبت، خود، دلیل بر صدق گفتار ائمهعلیهم السلام است.

مؤلّف، اشاره میکند که حیرت و تردید اکثریّت شیعه در این موضوع، امری غیر منتظره نیست؛ زیرا، امامانعلیهم السلام آن را پیشگویی کردهاند.

فهرستی از مطالب کتاب پایان بخش مقدّمه مؤلّف است.

نثر کتاب، شیوا و روان و دلنشین و آمیخته با صنایع ادبی، بویژه سجع، و در عین حال بدون تکلّف است و چیره دستی مؤلّف را بر ادبیات عرب میرساند. البته، از کسی که به لقب ((کاتب)) خوانده شده، جز این، انتظاری نیست.

از آن جا که این سطور، در روز میلاد حضرت امیر علیه السلام نگـارش مییابـد، بـه نقـل صـلوات زیبایی بر آن حضرت و ائمه معصومینعلیهم السلام برگرفته از مقدمهی کتاب تبرّک میجوییم(۷):

نعمانی، پس از ذکر مقام والای حضرت ختمی مرتبت میگوید:

صلّى الله عليه و على أخيه أمير المؤمنين تاليه فى الفضل و مـؤازره فى اللأواء و الأزْل و سـيف الله على أهل الكفر و الجهل، ويده المبسوطه بالإحسان و العدل، و السالک نهجه فى كلِّ حالٍ، و الزائل مع الحق حيثما زال، و الحاوى(۸) علمه و المستودع سرّه [و]الظاهر على مكنون أمره.

و على الأئمه من آله الطاهرين الأخيار، الطيبين الأبرار، معـادن الرحمـه، و محـلّ النعمـه، و بـدور الظلام، و نور الانام، و بحور العلم، و باب السلم(۹)، الّذى ندب الله، جلّ و عزّ، خلقه الى دخولـه، و حذرهم النكوب عن سبيله، حيث قال ((يا أيّهـا الّـذين آمنـوا ادخلـوا فى السـلم كافـةً و لاتتبعـوا خطوات الشيطان))(۱۰)... .

درود خداوند بر پیامبر و برادرش امیر المؤمنین که تالی تلو وی بود در فضیلت و یارِ او در سختی و مصیبت، شمشیر پروردگار بر اهل کفر و جهـالت و دسـتِ گشـوده حـق بـه احسـان و عـدالت. هماره، راه او میپیمود وبر مدار حق حرکت مینمود. گنجینه دانش ربوبی و ودیعه گاه اسرار بود و چیره بر رازهای پنهان پروردگار.

درود بر امامان اهل بیت، پاکان نیکو نهاد و پاکیزگان برتر از گناه و ایراد، معادن رحمت و جایگـاه نعمت، ماههای درخشنده در تاریکیهـا و روشـنی بخش انسـانها، دریاهـای دانش و دروازه صـلح و آشتی که خداوند، عزّ و جلّ، آفریدگان خویش را به وارد شدن بدان خوانـده و از کنـاره جـویی از راه آن بر حذر داشته، آن جا که میفرماید: ((ای اهل ایمان، همگی، در صلح و آشتی در آیید و راه شیطان مپویید))...

موضوعات محور کلام نعمانی

مؤلّف، در موضوعاتی مختلف سخن گفته است. اشاره به پارهای از این موضوعات مفید است:

ردّ بر عامه(۱۱)؛

ردّ بر معتزله و دیدگاه ایشان که تقدیم مفضول را بر افضل روا میدانند(۱۲)؛

بطلان قیاس و اجتهاد به رأی(۱۳)؛

لزوم مراجعه به اهل بیت علیهم السلام و بی نیاز ندانستن خود از ایشان(۱۴)؛

مصائب حضرت زهراعلیها السلام که ننگ آن از چهره اهل اسلام زدوده نمیشود(۱۵)؛

دانش تمام چیزها، از خرد و کلان، در قرآن آمده، ولی تنها اهل بیتعلیهم السلام بدان آگاهاند(۱۶)؛

مذمّت اختلاف در دین(۱۷)؛

انکار امامت حضرت امیر علیه السلام یا یکی از امامانعلیهم السلام به نفاق میانجامد(۱۸)؛

انکار یکی از امامان، مانند انکار تمامی ایشان است(۱۹)؛

امامت، به اختیار الهی است، نه به اختیار مردم؛

اعتبار کتاب سلیم بن قیس، (از مصادر غیبت نعمانی).(۲۰)؛

تواتر احادیث دوازده امامعلیهم السلام (۲۱)؛

روایات دوازده امام، تنها با اعتقاد امامیّه سازگار است(۲۲)؛

اشاره به اندک بودن معتقدان به مذهب صحیح در آن روزگار(۲۳)؛

فرقههای انحرافی منشعب شده از تشیّع و بطلان آنها و هشدار به شیعه به عدم پیروی از گمراهی ایشان(۲۴) ؛

بطلان ادّعای امامت از سوی سادات و آل ابی طالب(۲۵)؛

شواهد روایات بر صحّت عقاید امامّیه و تطبیق احادیث بر امام عصر علیه السلام و غیبت آن حضرت(۲۶)؛

دیدگاههای مختلف درباه امام عصر علیه السلام(۲۷)؛

بعید نبودن عمر طولانی امام عصر علیه السلام(۲۸)؛

تشبیه غیبت حضرت مهدی عجل اللّه تعالی فرجه به داستان ولادت حضرت موسیعلیه السلام و نشو و نمای آن حضرت(۲۹)؛

تواتر احادیث غیبت(۳۰)؛

اشارهی احادیث اهل بیتعلیهم السلام به غیبت اوّل (=غیبت صغرا) که در آن، سفرا، میان امامعلیه السلام و مردم واسطهاند(۳۱)؛

توصیف مقامات سفرای امام عصر علیه السلام(۳۲)؛

پایان یافتن غیبت اوّل و فرا رسیدن غیبت دوم (=غیبت کبرا)(۳۳)؛

سنِّ ((صاحب الامر)) و ((قائم)) و سیمای آن حضرت در هنگام ظهور بر هیچ یک از امامان پیشین و دیگر افرادی که مهدویّت آنان ادعا شده، تطبیق نمیکند(۳۴)؛

توجیه روایاتی که در تعیین وقت ظهور نقل شده(۳۵)؛

سیمای حضرت مهدی علیه السلام در آیینهی روایات و عدم انطباق آن با اوصاف خلیفهی فاطمی(۳۶)؛

اشاره به بطلان مذهب اسماعیلیه(۳۷)؛

نکاتی درباره روش تألیف کتاب

مؤلّف، تنها، بر احادیث خاصّه تکیه میکند(۳۸)، با این حال، برای تأکید مطلب، به روایات عامه(۳۹) و نیز به تورات، استناد میجوید(۴۰).

نعمانی، در توضیحاتی که در ادامهی روایات آورده است، گاه، به توضیحی کوتاه بسنده میکند(۴۱) و گاه، حدیث مورد نظر رابا استفاده از حدیثی دیگر، توضیح میدهد(۴۲)، و با بهرهگیری از احادیث معروف، مانند حدیث ثقلین، مفاد روایت را تشریح میکند.(۴۳)

توضیحات مؤلّف، آکنده از آیات قرآنی است. که نشانهی تسلّط وی بر قرآن است.

از توضیحات مؤلّف روشن میشود که وی، شیعیان را به عنوان مخاطب خود در نظر گرفته است. تعبیر ((یا معشر الشیعه(۴۴))) و ((یا أیّها الشیعه الأخیار(۴۵)))، در چند جای کتاب دیده میشود.

از سوی دیگر، کتاب، در درجه نخست، در ردّ بدعتگذاران از فرقههای منسوب به تشیّع، نگارش یافته است. نعمانی، از این گروه، با تعابیری مانند ((أهل الدعاوی الباطله المنتمین الی الشیعه و هم منهم بَراء(۴۶)))، یا ((طوائف من العصابه (العصائب خ .ل) المنسوبه إلی التشیّع المنتمیه إلی نبیّها محمّد و آله صلی الله علیه و آله ممّن یقول بالإمامه(۴۷))) یا ((الطوائف المنتسبه إلی التشیّع ممّن خالف الشرذمه المستقیمه علی امامه الخلف بن الحسن بن علی(۴۸))) یاد میکند.

البته، پاسخ اجمالی به دیدگاههای عامه و بیان فساد مذهب ایشان نیز از نظر مؤلّف، دور نمانده

است.

سبک نگارش کتاب و ادبیات آن، جالب توجّه است. مؤلّف، با بهرهگیری از روشهایی، در صدد ایجاد تحرّک در خواننده است و وی را از رخوت و سستی به دور میدارد. وی، با توصیهی پیاپی به تأمّل و اندیشه، مخاطبان را به صورت فعّال، در جریان فکری مباحث کتاب قرار میدهد و از حالت انفعالی بیرون میبرد. عباراتی مانند ((فتأمّلوا(۴۹)))، ((فاعتبروا(۵۰)))، ((فانظروا(۵۱)))، ((انظروا))(۵۲)، ((فتبیّنوا))(۵۳)،... در این زمینه، به کار گرفته شده است(۵۴).

وی، از سوی دیگر، فرجام ناگوار دور شدن از مسیر صحیح امامت را گوشزد میکند. بیدار باشهای اعتقادی و انذار و تبشیر، در کلام نعمانی، فراوان دیده میشود.(۵۵)

وی، مخاطبان خود را با اوصافی ویژه میستاید که خود تشویقی است جدّی به اندیشه ورزی ژرف در احادیث اهل بیتعلیهم السلام برای راهیابی به آستانهی هدایت و استمرار بر طریق ولایت.

به تعابیر زیر توجه فرمایید:

یا أُولی الأبصار(۵۶)؛

یا أُولی الأبصار الناظره بنور الهدی، و القلوب السلیمه من العمی، المشرقه بالإیمان و الضیاء(۵۷)؛

یا مَنْ وهب الله له بصیره و عقلاً، و منحه تمییزاً و لبّاً(۵۸)؛

أیّها الشیعه الأخیار(۵۹)؛

یا معشر الشیعه، ممَّن وهب الله تعالی له التمییز و شافی التأمّل و التدبّر لکلام الأئمهعلیهم السلام (۶۰)

دعا کردن مخاطبان با تعابیری مانند ((رحمکم الله(۶۱))) نیز در جهت تأثیر گذاری کتاب است.

از سوی دیگر مؤلّف بدعتگزاران را نیز با اوصاف ناپسندشان مذمت میکند:

المبتدعون الّذین لم یذقهم الله حلاوه الایمان و العلم و جعلهم بنجوه منه و بمعزل عنه(۶۲).

مؤلّف، توضیحات خود را از حمد و ثنای الهی بر هدایت و راهیابی آکنده است.(۶۳)

ذکر نمونهای از نثر شورانگیز و محرّک مؤلّف، سودمند است:

فاستيقظوا – رحمكم الله – من سنه الغفله و انتبهوا من رقده الهوى، و لايـذهبن عنكم مـا يقولـه الصادقون عليهم السلام صفحاً باستماعكم إيّاه بغير آذانٍ واعيه و قلوب متفكـره و البـاب معتـبره متدبره لما قالوا أحسن الله إرشادكم... و الحمد للّه ربّ العالمين؛

از خواب غفلت – خداوند رحمتتان کنـاد! – بيـدار شـويد و از پـيروى هـوا و هـوس دسـت شـوييد. سـخنان صـادقينعليهم السـلام را بـا گوشهاى هوشـيار و قلبهـاى انديشـهمند و دلهـاى عبرتآموز و تدبّرآميز، گوش فـرا دهيـد تـا آنهـا را از کـف ندهيـد. خداونـد، بـه نيکى، شـما را هـدايت کنـاد!... الحمدللّه رب العالمين.(۶۴)

مؤلّـف، بـراى تحـرّک‌بخشـى بـه مخاطبـان و شـورآفرينى در طالبـان حـق و حقيقت، از روش استفهام، بويژه استفهام منفى، اسـتفاده ميکنـد. عبـارات زيـر، گونههـاى مختلفى از اين روش را نشان ميدهد:

أليس فى هذه الأحاديث – يا معشر الشيعه!... -، بيان ظاهر و نور زاهر؟ هل يوجد أحد من الائمه الماضينعليهم السلام يشکّ فى ولادته، و اختلف فى عدمه و الّا هذا الامام الّذى جعل کمال الــدين به و على يديه...(۶۵)

فَمَنْ صاحبُ هذه الغيبه غير الإمام المنتظر، و مَنِ الذى يشکُّ جمهور الناس فى ولادته إلّا القليل – و فى سِنّه؟ و مَنِ الذى لايأبه له کثير من الخلق و لايصدّقون بأمره، و لايؤمنون بوجوده، إلّا هو...(۶۶)

أما ترون – زادکم الله هدى! – هذا النهى عن التنويه باسم الغائبعليه السلام.(۶۷)

فأى أمر أوضح و أى طريق أفسح من الطريقه الّى دلّ عليها الائمه عليهم السلام فى هذه الغيبــه و نهجوها لشيعتهم حتّى يسلکوها مسلّمين غير معارضين و لامقترحين و لاشاکّين، و هل يجــوز أن يقع مع هذا البيان الواقع فى امر الغيبه شک(۶۸)؟.

هل هذه الأحاديث – رحمکم الله! – إلّا داله على غيبه صاحب الحق (۶۹)؟

بدين ترتيب، ابو عبدالله نعمانى کاتب، با نثرى زنـده و حـرکت بخش و شـورانگيز، شـيعيان را بـه انديشه وا ميدارد و به هدايت ايشان اميد ميبندد.(۷۰)

چاپهاى غيبت نعمانى

از غیبت نعمانی، پنج چاپ میشناسیم:

۱ـ چاپ سنگی، به کوشش علی نقی گیلانی، دار الخلافه، طهران، ۱۳۱۸ـ این کتاب، به خطِّ محمّد قمی نوشته شده است. در مقدّمهی کاتب، به تاریخ ۱۳۱۷ آمده: ((در کمال دقّت، از روی نسخ عدیده قدیمه، در دار الإیمان قم، نسخ و تصحیح تامّ شد.))

در پایان کتاب هم آمده: ((قد بلغ قبالاً و تصحیحاً علی نسخ معتمده فی مجالس آخرها صبیحه الجمعه لعشره أیّام بقین من ربیع الأوّل سنه ۱۳۱۷، و حررّه بیمناه الوازره محمّد القمی، ۱۳۱۷)).

به پیوست کتاب (از ص ۱۸۳ – ۲۱۳) اربعین شهید اوّل به چاپ رسیده است.

۲ـ چاپ تبریز، مکتبهی صابری، ۱۳۸۳ـ این چاپ، از روی چاپ پیشین افست شده است، با این تفاوت که به جای مقدّمهی یک صفحهای کاتب نسخه، مقدمهای در شانزده صفحه، به قلم ولیّ الله اشراقی درج شده و فهرست ابواب کتاب نیز در پایان دیده میشود و اربعین شهید اوّل هم همراه کتاب نیست.

۳ـ تصحیح علی اکبر غفاری، مکتبهی صدوق، تهران، ۱۳۹۷ـ این چاپ، نخست بدون اعراب نشر یافت و سپس به دست آقای محسن احمدی، با بازنگری حسین آقا استاد ولی، اعراب گذاری شد. درباره این چاپ، پس از این، بیشتر سخن میگوییم.

۴ـ تحقیق فارس حسّون کریم، انوار الهدی، قم، ۱۴۲۲ـ این چاپ، از روی چاپ پیشین، با حذف حواشی کتاب و افزودن تخریج احادیث، انجام گرفته است.

۵ـ همراه با ترجمه به قلم محمّد جواد غفاری (فرزند استاد غفاری)، از روی چاپ ایشان، نشر صدوق، تهران، ۱۴۱۸ـ

نسخههای خطی غیبت نعمانی و چاپ استاد غفاری

استاد غفاری، در مقدّمهی، کتاب، اشاره کردهاند که در تصحیح کتاب به سه نسخه، اعتماد ورزیدهاند؛ یکی به تاریخ ۱۰۷۷ و دیگری بدون تاریخ که با توجه به خط آن، کتابت آن به قبل از قرن دهم یا در همان حدود حدس زده شده است.

سومین و مهمترین نسخهی مورد استناد ایشان، نسخه چاپی کتاب بوده که اسانید و دو باب آخر آن با نسخهی شمارهی ۱۸۷ کتابخانهی آستان قدس رضوی، به دست آیت الله زنجانی (والد راقم

سطور) أدام الله تعالی ظلّه، مقابله شده است. وصف نسخه به نقل از ایشان در مقدمه آمده است.

نویسندهی این مقاله، به این نسخه مراجعه و مشاهده کرد که تمام کتاب (سند و متن) با نسخهی فوق، مقابله شده است. با دقّت در مقابلهها، به دست آمد که مقابلهی نسخه در دو مرحله انجام گرفته و مقابلهی کامل نسخه، پس از بهرهگیری استاد غفاری صورت گرفته و در هنگام استفاده ایشان، تنها، برخی موارد مورد لزوم (و نه تمام اسناد)، مقابله گشته است. لذا، تقریباً میتوان گفت، از این نسخه نفیس و ارزشمند، در این چاپ، بهره گرفته نشده است.

گفتنی است که جناب حجه الاسلام و المسلمین علی اکبر مهدی پور - دامت برکاته - نسخهی خود را با این نسخه، دو بار، با دقّت، و نیز با نسخهای از آن که در کتابخانهی آیهالله مرعشی نگاهداری میشود و غالباً، با نسخهی فوق تطابق دارد، مقابله کردهاند. ایشان، از سر لطف، نسخهی خود را در اختیار این نویسنده قرار دادند و وی را قرین منت خویش ساختند.

ویژگیهای نسخهی خطی کتابخانه آستان قدس رضوی

این نسخه که به شمارهی ۱۸۷ از کتب اخبار و شمارهی عمومی ۱۷۵۴ در این کتابخانه نگاهداری میشود، به تاریخ ۵۷۷ نوشته شده است. متأسّفانه، نام ناسخ، گویا در هنگام بریدن صفحه، از میان رفته است. این نسخه، به همراه ۳۹۹ جلد دیگر، به دست شیخ اسد

الله، مشهور به ابن خاتون مشهدی در سال ۱۰۶۷ وقف آستانه مقدّس حضرت رضاعلیه السلام شده است، برخی از قسمتهای کتاب، با خطی مغایر، ولی عتیق نوشته شده است.(۷۱)

در این نسخه، روایات و گاه باب یا بابهایی از کتاب، ذکر نشده است که فهرست آنها چنین است:

ص ۳۵، ح ۴: حدّثنا أحمد بن محمد بن سعید ؛

ص ۳۷، ح ۱۱: حدّثنا محمّد بن همام بن سهیل؛

باب ۶، ص ۱۱۶ - ۱۲۷ (الحدیث المرویّ عن طریق العامه). پیشتر گفتیم، گویا، این باب، پس از تألیف، افزوده شده است.

ص ۱۲۹، ح ۴: أخبرنا أحمد بن محمّد بن سعید ؛

ص ۱۲۹، ح ۵: حدّثنا محمّد بن یعقوب؛

ص ۱۳۵ ح ۱۹: أخبرنا أحمد بن محمّد بن سعید؛

ص ۱۷۵، ح ۱۵: حدّثنا عبد الواحد بن عبدالله؛

ص ۱۷۵، ح ۱۶: حدّثنا محمّد بن یعقوب الکلینی؛

ص ۱۷۹، ح ۲۵: حدّثنا أحمد بن محمّد بن سعید؛

ص ۲۱۶، ح ۶: أخبرنا محمّد بن یعقوب؛

ص ۲۲۴، ح ۷: و عن محمّد بن یحیی

ص ۲۴۱، ح ۳۸: أخبرنا علی بن الحسینِ المسعودی؛

ص ۲۸۶، ح ۶: أخبرنا سلامه بن محمّد؛

ص ۲۸۶، ح ۷: حدّثنا عبدالواحد بن عبدالله بن یونس؛

ص ۲۸۷، ح ۸: أخبرنا أبو سلیمان؛

ب ۲۱ تا اواخر باب ۲۴ (ص ۳۱۷ – اواخر ص ۳۲۸)

ص ۳۳۱، ح ۷: حدّثنا أحمد بن محمّد بن سعید

تفاوتهای نسخهی رضوی با چاپ آقای غفاری

آیا این احادیث، از افزودههای مصنف پس از تألیف است یا نسخهی خطی، دچار کاستی شده است؟ روشن نیست، با مقایسهی این نسخه با نسخهی چاپی کتاب، تفاوتهایی چشمگیر میان آن دو، در اسناد و متون احادیث و توضیحات مؤلّف، دیده میشود که غالباً عبارت صحیح یا برتر، عبارت همین نسخهی خطی است.

ما در بحثهای آینده، به تناسب بحث از مصادر کتاب، به مواردی از اختلاف اسناد این نسخه با نسخهی چاپی، اشاره خواهیم کرد.

در اینجا تنها، اختلافات متن این دو را در دو قسمت میآوریم:

قسمت یکم، مربوط به اختلافات مقدمه کتاب است. در این قسمت، بیشترِ اختلافات را یاد کردهایم. قسمت دوم، مربوط به نمونههایی از اختلافات دیگرِ بخشهای کتاب است.

برای تسهیل در مقایسه دو چاپ، آدرس چاپ سنگی را نیز آوردهایم، در برخی از موارد چاپ

سنگی، مطابق نسخه رضوی است. این مـوارد را بـا علامت * مشـخص سـاختهایم. در پارهای از موارد هم، عبارت نسخه رضوی در حاشیه چاپ سنگی، ذکر شده که بـا آوردن کلمـه ((حاشـیه)) در آدرس چاپ سنگی، بدان اشاره کردهایم.

تفاوتهای نسخه رضوی با چاپ آقای غفاری در مقدّمه کتاب

چاپآقای غفاری چاپ سنگی متن چاپ متن نسخه رضوی

ص ۱۸، اواخر * ص ۲، اواسط ان تعدّوا وإنْ تعدّوا [آیه قرآن]،

ص ۱۹، س ۲ ص ۲، اواخر دالّین هادین دالّین و هادین

ص ۱۹، س ۳ ص ۲، اواخر و مبلّغین مؤدین مبلّغین و مؤدین

ص ۱۹، س ۵ ص ۲، س آخر اطلعهم علی غیبه اطلعهم علیه من غیبه

ص ۱۹، س ۷ و ۸ ص ۳، س ۱ ترفّعا لاقدارهم رفعاً لإقدارهم

ص ۱۹، س ۸ و ۹ ص ۳، س ۲ و لتکون حجهالله علیهم تامه و لتکون حجتّه بالغه تامّه

ص ۱۹، س ۱۳ ص ۳، س ۷ فصیّره إماماً بتصییره إماماً

ص ۱۹، س ۱۴ ص ۳، س ۷ و أعطاه الشفاعه بإعطائه الشفاعه

ص ۲۰، س ۱۱ * ص ۳، س آخر اذکاها أزکاها

ص ۲۰، س ۱۴ ص ۴، س ۱ طوائف من العصابه طوائف من العصائب

ص ۲۰، س ۱۶ ص ۴، س ۴ فاز بذمتها دان بدینها

ص ۲۱، س ۱ ص ۴، س ۶ التنزّه عن سائر المحظورات التنزّه عن المحظورات

ص ۲۱، س ۳ ص ۴، اواسط کلمها کلمتها

ص ۲۱، اواخر ص ۵، س ۱ الفرقه الثابته علی الحق الفرقه المحقّه الثابته علی الحق

در حاشیهی نسخه رضوی به اختلاف نسخه اشاره شده است.

ص ۲۱، ما قبل آخر ص ۵، س ۱ لایضرّها الفتن لاتضرّها الفتن

ص ۲۲، س ۶ * ص ۵، س ۶، حاشیه لم یهتموا الطلب العلم لم یهتموا بطلب العلم

ص ۲۲، س ۸ ص ۵، اواسط علی قدر روایتهم علی حسب روایتهم

ص ۲۲، س ۱۰ ص ۵، اواسط دخل فی هذه المذاهب دخل فی هذا المذهب

ص ۲۲، ما قبل آخر ص ۵، اواخر طلباً للرئاسه و شهوه لها و شغفاً بها حبّاً للرئاسه و شهوه لهـا و شغفاً

ص ۲۳، س ۲ ص ۵، اواخر و هن من نفسه بصحه ما نطق به منه و هن يقينه بصحه تعلّق به منه

ص ۲۳، س ۹ ص ۶، س ۴ إرشادهم فی الحيره إرشادهم عند الحيره

ص ۲۰، س ۹ * ص ۳، اواخر باب السلام باب السلم

ص ۲۳، س ۱۳ ص ۶، اواسط الهدايه إلی ما أوتی عنهم فيها مـا يصـحّح الهدايـه إلی مـا اتی عنهم فيها ممّا يصحّح

ص ۲۳، س ما قبل آخر ص ۶، اواسط حسن الصوره حسن البصيره

ص ۲۳، س آخر ص ۶، اواسط أتحفه بالفهم أخلصه بالفهم

ص ۲۴، س ۸ ص ۶، اواخر قوّی اليقين فی قلوبهم بصحه ما تلقّوه قدّر اليقين فی قلـوبهم بصـحّه ما تلقّوه

ص ۲۴، س ۱۶ ص ۷، س ۳ ولاتكونوا ولايكونوا اين كلمه، جزئی از آيهی

قرآن است كه به اين شكل است.

در نسخه خطی بی نقطه است.

ص ۲۴، س ۱۸ ص ۷، س ۵ ((إنَّ الله يحيی الأرض)) ((إعلموا أنَّ الله...))

ص ۲۱، س ما قبل آخر ص ۷، س ۶ فإنّه كأنّه

ص ۲۴، س آخر ص ۷، س ۷ فتأويل هذه الآيه جاء فتأويل هذه الآيه جارٍ

ص ۲۵، س ۴ * ص ۷، اواسط إمّا ظاهر معلوم أو خـائف مغمـور إمـا ظـاهر معلـوم و إمّـا خـائف مغمور

ص ۲۵، س ۱۳ ص ۷، اواخر ما حدث من هذه الفـرق العاملـه بـالأهواء مـا حـدث فی الشـيعه من هذه

الفرق العامله بالأهواء

ص ۲۶، س ۷ ص ۸، اواسط كان له طعام قد ذراه كان له طعام فذراه

ص ۲۶، س ۱۲ ص ۸، اواسط حتّی نقيت منه رزمه كرزمـه الإنـدر حتّی بقيت منـه رزمـه كرزمـه

الاندر

[الّذی] لایضرّه السوس شیئاً – والاندر البیدر – لایضرها السوس شیئاً

ص ۲۷، س ما قبل آخر ص ۹، اواسط ناقه صالح ناقه ثمود

ص ۲۹، س ۲ * ص ۱۰، س ۶ ما وفق الله جمعه ما وفق الله لجمعه

ص ۲۹، س ۷ ص ۱۰، اواسط سر آل محمّدعلیهم السلام سرّ الله

ص ۲۹ ص وإنّهم أحد الثقلین به جای ((التمسک)):

ص ۲۹، س آخر ص ۱۱، س ۴ خذلاناً من الله شملهم به استخفافهم خذلانا من الله شملهم به استحقاقهم

ذالک و بما کسبت أیدیهم ذالک بما کسبَتْ أیدیهم

ص ۳۰، س ۱۰ ص ۱۱، اواسط المؤثرون الملح الأجاج ((النمیر)) در نسخه نیامده است.

علی العذب النمیر الفرات

ص ۳۱، س ۴ * ص ۱۱، س ما قبل آخر فیمَن ادَّعی الإمامه و مَن زعم فیمَنِ ادّعی الإمامه و مَنِ ادّعاها

أنّه إمام و لیس بإمامٍ له و لیس بإمامٍ

ص ۳۱، ما قبل آخر ص ۱۲، اواسط ما جاء فیما یلقی القائم منذ قیامهعلیه السلام ما جاء فیما یلقی القائم عند قیامهعلیه السلام

فیبتلی من جاهلیه الناس و یستقبل من جاهلیه الناس، عنوان

ص ۲۹۶ چاپی هم ((ویستقبل)) است.

ص ۳۱، س آخر ص ۱۲، اواسط جیش الغضب جیش العُصَب در ص ۳۱۱ و ۳۱۲،

در عنوان باب و در متن احادیث هم

به جای ((الغضب)) و ((غضب)) در

نسخه خطی، ((العُصَب)) و

((عُصَب)) آمده است.

نمونههایی از سایر مواضع کتاب

چاپغفاری چاپ سنگی متن چاپ متن نسخه رضوی

ص ۴۳، اواخر ص ۱۸، اواسط فإنّ القرآن مع العتره فالقرآن مع العتره

ص ۴۵، س ۷ و ۸ * ص ۱۹، اواخر فوكّلهم الله عزّوجلّ بمخالفتهم أمره، در نسخه، به جای ((فولاهم))،

و عدولهم عن اختياره و طاعته و طاعه ((و لهم)) آمده است.

مَنِ اختاره لنفسه فولاّهم إلى

اختيارهم و آرائهم و عقولهم

ص ۵۰، اواسط ص ۲۲، اواخر الّذين يدين به العباد الذين يدين به الضُلاّل چاپ سنگی:

الّذين تدين به أئمه الضلال

ص ۵۶، اواسط * ص ۲۶، س ۷ فإذا كانت هذه حال مَن أخلف الوعد در نسخه، به جای ((أنّ عقابه))،

فی أنّ عقابه النفاق المؤدی ((أعقابه)) آمده است.

إلى الدرک الأسفل من النار سطر ما قبل آخر همين صفحه هم،

صحّت نسخه را تأييد می كند.

ص ۶۵، س ۱ ص ۳۰، اواخر أبدال الارض أبداً

ص ۱۰۱، اواخر ص ۴۷، س ۶ من طرق رجال الشيعه الموثقين من طريق رجال الشيعه الموفّقين

ص ۱۰۲، س ۲ ص ۴۷، اواسط المقداد و سلمان الفارسی سلمان و المقداد

ص ۱۶۰، ماقبل آخر ص ۸۲، حاشيه يطالبون بالإرشاد إلى شخصه و مع هذا الإنذار بقله علمهم

و الدلاله على موضعه و يقترحون و ضعف بصائرهم و أنّهم بمعزل عن

إظهاره لهم، و ينكرون غيبه، العلم يترجون ظهور الإمام لهم و

لإنَّهم بمعزل عن العلم يطالبون بالإرشاد إلى شخصه و

يذكرون غيبته و يقولون ما فعل و

أين هو و لِمَ يغيب و إلى كم يغيب،

و هم یعلمون ما سبق من علم الله و

تدبیره فی أمر هذا الإمام وصفه الله

فی المرتبه و المنزله تحکما عن

(علی خ.ل) الله و اقتراحاً علی ولیه

و استعجالاً لأمره و تقدماً بین یدیه

ص ۱۶۳، اواسط ص ۸۵، س ۵، حاشیه فیه شبه من یوسف فیه سنه [من]یوسف

ص ۱۶۹، ماقبل آخر ص ۸۸، اواخر و هم الجازمون و هم الحازمون

ص ۲۹۹، اواخر صفحه ص ۱۶۰، س ۶ و أزد و أزد البصره

ص ۳۱۱، اواخر ص ۱۶۷، اواخر حدثنی مَن رأی المسیب بن نجبه، حدّثنی مَن رأی المسیب بن نجبه

قال: و قد جاء رجل إلی امیرالمؤمنینعلیه السلام و قد جاء یدخل إلی أمیر المؤمنینعلیه السلام

و معه رجل یقال له ((ابن السوداء))، و معه رجل یقال له ((ابن السوداء))

فقال له: یا أمیر المؤمنین و هو متلبّبه فقالوا: یا أمیر المؤمنین

ص ۳۳۱، ماقبل آخر ص ۱۸۰، س آخر ملک القائم منّا یملک القائم منّا

نمونهی بسیار جالبی از تحریفات نسخهی چاپی(۷۲)

در حدیثی از امام باقرعلیه السلام در نسخه چاپی الغیبه نعمانی ص ۳۰۱ (ص ۱۶۱، چاپ سنگی) میخوانیم: ((إنّهما أجلان: أجل محتوم، و أجل موقوف. فقال له حمران: ((ما المحتوم)) قال: ((الّذی للّه فیه المشیئه)). قال حمران: ((إنّی لأرجو أن یکون أجل(۷۳) السفیانی من الموقوف)). فقال ابو جعفر علیه السلام: ((لا و الله: إنّه لمن المحتوم.))

این متن از دو سو، با اشکال همراه است: نخست این که در این حدیث، تنها به تعریف اجل محتوم پرداخته شده و دیگری این که تعریف ارائه شده با اجل موقوف سازگارتر است تا با اجل محتوم. این دو اشکال، هر دو، از یک ریشه نشأت گرفته است و آن، اشتباه در نسخه چاپی است. در اینجا، این یک سطر، قبل از ((الّذی للّه فیه المشیئه)) افتاده است: ((الّذی لایکون غیره.)) قال: ((فما الموقوف؟)) فقال: ((هو)).

تکرار ((قال الّذی)) در این حدیث، سبب شده که چشم ناسخ، از یک مـورد این عبـارت بـه مـورد دیگر پرش کند و چنین سقطی رخ دهد.

با توجه به آن چه گذشت، نیاز به چاپی انتقادی از الغیبه نعمانی، بر مبنای نسخهی رضوی، کـاملاً احساس میگردد. شاید با تفحّص در فهرستهای نسخههای خطّی کتابخانههای مختلف، به نسخه یـا نسخههای دیگری که بتوان در این تصحیح از آنها بهره جست، دست یافت.

مرحوم مجلسی هم غالباً، نسخههای اصیل و ارزشمندی در اختیار داشـته اسـت، لـذا مراجعـه بـه بحار الأنوار، به عنوان یک نسخه، در این تصحیح ضروری است.

امید که صاحب همّت و صلاحیّتی، به این مهم دست یازد و این اثر گرانبها را از نو زنده سازد.

پینوشتها:

۱) لذا این باب، در برخی از نسخههای کتاب نیامده است. در میانهی این باب، در ص ۱۱۹ نیز این عنوان دیده میشود: ((ما رواه جابر بن سمره...بعد ما فی الأصـل...)) . این عبـارت، بـه ضـمیمه شدن این باب پس از تألیف کتاب، اشاره دارد. روایات جابر بن سـمره، پیشتر در ص ۱۰۳ – ۱۰۴ (رقم ۳۱ – ۳۳)، ص ۱۰۶ (رقم ۳۶)، ص ۱۰۷ (رقم ۳۸) نقل شده است.

۲) افزوده از نسخهی معتبر کتابخانهی امام رضاعلیه السلام که وصف آن خواهد آمد.

۳) از نسخهی رضویه.

۴) افزوده شده از نسخهی رضویه.

۵) الغیبه، نعمانی، ص ۱۸ – ۳۲،

۶) همان، ص ۳۶ / ذیل ۷ (کوتـاه)، ۴۲، ۴۳ – ۵۱، ۵۵ – ۵۷، ۱۰۱ – ۱۰۲، ۱۰۷ – ۱۱۰، ۱۱۲ / ذیـل ۴ (کوتاه)، ۱۱۵ – ۱۱۶، ۱۲۷ / ذیـل ۲۴ (کوتـاه)، ۱۳۵ ۱۳۶، ۱۳۶ / ذیـل ۱ (کوتـاه)، ۱۴۴ – ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۳ – ۱۵۴، ۱۵۷ – ۱۵۸، ۱۶۰ – ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۵ – ۱۶۶، ۱۶۹ – ۱۷۰، ۱۷۲ / ذیـل ۵ (کوتـاه)، ۱۷۳ – ۱۷۴، ۱۷۵ / ذیل ۱۲ (کوتـاه)، ۱۷۹، ۱۸۳ – ۱۸۴، ۱۸۴ – ۱۸۵، ۱۹۰ – ۱۹۱، ۱۹۳ – ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۱، ۲۰۷ – ۲۰۸، ۲۱۱ – ۲۱۲، ۲۴۴ – ۲۴۷، ۲۸۲ – ۲۸۳، ۳۱۱ / ذیـــل ۵ (کوتـــاه)، ۳۲۳ – ۳۲۴، ۳۳۲ (خاتمهی کتاب).

۷) متن این صلوات را از نسخهی رضویه نقل کرده و بـه اختلافـات مهم نسـخه چـاپی در حاشـیه

اشاره میکنیم.

۸) متن نسخهی چاپی: الخازن.

۹) در چاپ آقای غفاری به جای السلم، ((السلام)) آمده که هر چند با ((الأنام)) هم سجع است، ولی عبارت صحیح (که در نسخهی خطی و چاپ سنگی آمده) ((السلم)) است که با ((العلم)) هم سجع بوده و با آیهی مورد استشهاد، تناسب دارد.

۱۰) الغیبه، نعمانی، ص ر۲۰

۱۱) همان، ص ۲۹، ۳۰، ۴۳ - ۵۱، ۵۵ - ر۵۷

۱۲) همان، ص ر۲۹

۱۳) همان، ص ۲۰، ۴۵، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۱۱۰، ر۱۶۵

۱۴) همان، ص ۳۰، ۴۳ - ۴۵، ۵۵

۱۵) همان، ص ر۴۸

۱۶) همان، ص ۴۸ - ر۵۰

۱۷) همان، ص ۵۰، ر۵۵

۱۸) همان، ص ۵۶ و ر۵۷

۱۹) همان، ص ر۵۷

۲۰) همان، ص ر۱۰۱

۲۱) همان، ص ۱۰۱و نیز ص ر۱۲۷

۲۲) همان، ص ر۱۰۷

۲۳) همان، ص ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۱۵۷، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۰، ر۱۸۶

۲۴) همان، ص ۲۰ - ۲۳، ۵۷، ۱۰۲، ۱۳۵، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۹، ر۱۷۳

۲۵) همان، ص ر۱۵۳

۲۶) همان، ص ۱۳۶، ۱۴۴ و ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۳، ر۱۹۶

۲۷) همان، ص ۱۵۷، ر۱۶۹

۲۸) همان، ص ۱۵۷، ۲۱۱

۲۹) همان، ص ر۱۵۷

۳۰) همان، ص ر۱۶۰

۳۱) همان، ص ۱۶۱، ر۱۷۳

۳۲) همان، ص ر۱۷۴

۳۳) همان، ص ۱۶۱، ۱۷۴، ر۱۹۳

۳۴) همان، ص ۱۸۵، ۱۹۰، ر۳۲۳

۳۵) همان، ص ر۱۹۰

۳۶) همان، ص ۲۴۴ - ۲۴۶، ص ۲۸۲ و ر۲۸۳

۳۷) همان، ص ر۳۲ و نیز ر.ک: ص ۳۲۴ - ر۳۲۹

۳۸) الغیبه نعمانی، ص ر۱۰۲

۳۹) همان، ص ۱۰۲ - ر۱۰۷ و نیز ۱۱۶ - ر۱۲۷

۴۰) همان، ص ۱۰۸ و ر۱۰۹

۴۱) همان، ص ۳۶، ذیل ر۷

۴۲) همان، ص ۱۷۵

۴۳) همان، ص ر۴۲

۴۴) همان، ص ۲۴، ۱۰۱، ۲۰۷، ر۳۲۳ و نیز ص ر۱۸۳

۴۵) همان، ص ر۱۵۷

۴۶) همان، ص ر۱۰۲

۴۷) همان، ص ر۱۷

۴۸) همان، ص ر۱۵۷

۴۹) همان، ص ۱۰۱، ۲۴۴و ر۲۴۵

۵۰) همان، ص ۱۵۷، ر۱۶۵

۵۱) همان، ص ۱۰۱، ر۲۴۴

۵۲) همان، ص ۲۰۱، ۲۴۵، ر۳۲۳

۵۳) همان، ص ر۲۰۷

۵۴) نیز ر.ک: ص ۱۵۷، ۱۶۵، ۲۰۱ و...

۵۵) ر.ک: ص ۲۳، ۵۵، ۱۳۵، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۰، ۲۴۴، ر۳۲۳ و مــواردی کــه در حواشــی پیشین ذکر شد.

۵۶) همان، ص ر۱۶۵

۵۷) همان، ص ر۱۶۵

۵۸) همان، ص ر۲۴۴

۵۹) همان، ص ر۱۵۷

۶۰) همان، ص ر۱۸۳

۶۱) همان، ص ۵۷، ۱۰۱، ۱۶۵، ۱۹۳، ۲۰۱، ر۳۲۳

۶۲) همان، ص ر۱۶۵

۶۳) به عنوان نمونه: ص ۱۴۵، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۵، ۲۱۲، ۲۴۶، ر۳۲۳

۶۴) ترجمه اندکی آزاد میباشد.

۶۵) الغیبه، نعمانی، ص ر۱۸۳

۶۶) همان، ص ر۱۶۹

۶۷) همان، ص ر۱۵۳

۶۸) همان، ص ر۱۷۹

۶۹) همان، ص ر۱۹۳

۷۰) دربارهی امید مؤلّف به هدایت شیعیانِ از راه بـه در رفتـه، بـویژه بـه صـفحهی ۲۰۸ مراجعـه کنید.

۷۱) ص ۱۳۴ – ۱۴۷ (نسخهی چاپی).

۷۲) جناب اقای مهدی پور، این مورد را متذکّر شدند.

۷۳) در نسخه ی رضوی: أمر – به جای أجل – ذکر شده که زیباتر به نظر میآید.